

Reasons and Contexts of The Formation of Parallel Relationships From The Point of View of Family Counselors Among Couples in City of Ahvaz City: A Qualitative Study

Masoumeh Bagheri¹, Marziyeh Shahryari², Mehran Bondori³, Banoo Beigy Malekabadi⁴

1. (corresponding author), PhD of Sociology, Associate Professor of Sociology, Department of Social Sciences, Faculty of Economic and Social Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran.
2. PhD of Sociology, Assistant Professor of Sociology, Department of Social Sciences, Faculty of Economic and Social Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran.
3. PhD student of Sociology, Department of Social Sciences, Faculty of Economic and Social Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran. Mehran.bondori465@gmail.com
4. PhD student of Sociology, Department of Social Sciences, Faculty of Economic and Social Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran. b.beigy.m3764@gmail.com

ABSTRACT

Received: 23/02/2024 - Accepted: 20/07/2024

Aim: The purpose of this research is to identify the attitude of family counselors towards the reasons and contexts of the formation of parallel relationships among couples in city of Ahvaz. **Methods:** This research was conducted using qualitative approach and grounded theory method through theoretical and purposeful sampling, in which 20 counselors of public and private family centers participated in in-depth interviews. The theoretical sampling process continued until the data saturation stage was reached. The collected data were analyzed using open, axial and selective coding. **Results:** The emerged model includes three dimensions of conditions, action-interactions, and consequences. The "conditions" dimension includes the deterioration of public attitudes and opinions, virtual space facilitating extra-marital relationships, sensationalism and lack of body care, couples' unwillingness to talk to each other, not maintaining the boundaries of personal life, immersion in family roles and social, imposition of choice and hidden protest, experience of modern love and marital frustration, not being able to cope, lack of satisfaction with married life, "action-interaction" dimension, including trying to relieve the significant other, "consequences" dimension, including the elimination of the culture of shame and modesty, self-deception and other insidious deception, fighting with oneself and obsessively searching for love, social isolation and the prevalence of social harms, which are formed around the core category of "hidden objection to life without love". **Conclusion:** Given that, parallel relationships are a danger to the health and safety of the family and society. Therefore, by using the concepts extracted in this research, experts can identify the platforms for the formation of parallel relationships and examine the strategies, and it can be a guide in couple therapy and pre-marital counseling.

Keywords: Parallel relationships, pure relationship, hidden objection, family counselors, grounded theory



فصلنامه علمی پژوهشهای مشاوره
انجمن مشاوره ایران
جلد ۲۳، شماره ۹۱، پاییز ۱۴۰۳
مقاله پژوهشی

e-issn: 4018-2717

p-issn: 400-2717X

DOI: 10.18502/qjcr.v23i91.16933

دلایل و زمینه‌های شکل‌گیری روابط موازی از نگاه مشاوران خانواده در بین زوج‌های شهر اهواز: یک مطالعه کیفی

معصومه باقری^۱، مرضیه شهریار^۲، مهران بندری^۳، بانو بیگی ملک آبادی^۴

۱. (نویسنده مسئول)، دکتری جامعه‌شناسی، دانشیار، گروه علوم اجتماعی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران. m.bagheri@scu.ac.ir
۲. دکتری جامعه‌شناسی، استادیار، گروه علوم اجتماعی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران. m.shahryari@scu.ac.ir
۳. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران. Mehran.bondori465@gmail.com
۴. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران. b.beigy.m3764@gmail.com

چکیده

هدف: هدف پژوهش حاضر، شناسایی نگرش مشاوران خانواده نسبت به دلایل و زمینه‌های شکل‌گیری روابط موازی در بین زوج‌های شهر اهواز است.

روش: این پژوهش با استفاده از رویکرد کیفی و روش نظریه زمینه‌ای از طریق نمونه‌گیری نظری و هدفمند، ۲۰ نفر از مشاوران مراکز دولتی و خصوصی خانواده با مصاحبه‌های عمیق صورت گرفت. فرایند نمونه‌گیری نظری تا مرحله اشباع داده‌ها ادامه یافت. داده‌های گردآوری شده با استفاده از کدگذاری باز، محوری و گزینشی تحلیل شد.

یافته‌ها: مدل ظهور یافته شامل سه بعد شرایط، کنش-تعامل‌ها و پیامدهاست. بعد «شرایط» شامل اضمحلال نگرش‌ها و عقاید عمومی، فضای مجازی تسهیل‌کننده روابط فرا زناشویی، هیجان خواهی و عدم مراقبت از بدن، متمایل نبودن زوج‌ها نسبت به گفت‌وگو با هم، حفظ نکردن پرچین‌های زندگی شخصی، غوطه‌ور شدن در نقش‌های خانوادگی و اجتماعی، تحمیل انتخاب و اعتراض پنهان، تجربه عشق مدرن و سرخوردگی زناشویی، نداشتن توان مقابله، فقدان رضایت از زندگی زناشویی، بعد «کنش-تعامل»، شامل تلاش جهت تسکین باتکیه‌بر دیگری مهم، بعد «پیامدها»، شامل ازبین رفتن فرهنگ شرم و حیا، خودفریبی و دیگر فریبی مکارانه، جدال با خود و در جستجوی عشق وسواسی، انزوای اجتماعی و شیوع آسیب‌های اجتماعی که حول مقوله هسته «اعتراض پنهان به زندگی بدون عشق» شکل گرفته‌اند.

نتیجه‌گیری: با توجه به اینکه روابط موازی به عنوان زنگ خطر برای سلامت و امنیت خانواده و جامعه است، بنابراین متخصصان می‌توانند با بهره‌گیری از مفاهیم مستخرج در این پژوهش، بسترهای شکل‌گیری روابط موازی را شناسایی و استراتژی‌ها بررسی و در مشاوره زوج‌درمانی مشاوره پیش از ازدواج رهگشا باشد.

واژه‌های کلیدی: روابط موازی، رابطه ناب، اعتراض پنهان، مشاوران خانواده، نظریه زمینه‌ای.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۰۴ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۳۰

مقدمه

زندگی مشترک و ازدواج نظم بسیار کاملی است که آدمی را از حیات جنسی نامنظم و غیرطبیعی باز می‌دارد. گرچه روابط انسانی به طرق مختلفی وجود دارد، ولی ازدواج و داشتن زندگی مشترک امری مقبول و پسندیده در تمامی جوامع انسانی بوده و ارزش و منزلت آن نیز از جهت دینی، اخلاقی، عرفی و قانونی مشخص و محرز گشته است (اوکونور^۱، ۱۳۸۳). ازدواج و قرارداد ناشی از آن دارای نوعی تقدس است که گذشته از چهار خصلت (ارتباط جسمانی، تخالف جنسی، پاییی و قرارداد اجتماعی) ارتباطی را می‌رساند که در مقایسه با دیگر ارتباطات انسانی دارای تامیتی است بی‌نظیر (ساروخانی، ۱۳۸۵)؛ بنابراین استواری ازدواج مستلزم تعهد زوج‌ها به یکدیگر است (محمودپور و همکاران، ۱۳۹۷). اغلب وفاداری در حوزه جسمانی دیده می‌شود درحالی‌که در بسیاری از ازدواج‌ها همسران جسماً وفادارند و روحاً خیر. تن آنها وفادار است؛ اما دلشان نیست (کلود و تاونزند^۲، ۱۳۸۷). شرط یکی‌شدن [همسران] دو فرد کامل بودن است. به گفته بوکنر^۳ پیوند آسمانی ازدواج همان جایی است که یک مرد و یک زن با هم غنی‌تر می‌شوند نه اینکه فرصت کنند که به تنهایی دست به این کار بزنند (کلود و تاونزند، ۱۳۸۷).

روابط موازی یکی از آسیب‌های نهاد خانواده است که بشکل اساسی رابطه زوج‌ها را تحت تاثیر قرار می‌دهد. علی‌رغم آنکه نگرش اعضای جامعه به روابط فرازنشویی و پیامدهای آن منفی است و این عمل بعنوان پدیده‌ای غیرقابل توجیه در نظر گرفته می‌شود اما امکان رخ دادن آن طی فرایندی هم برای مردان و هم زنان وجود دارد (زمردیان و اکبری، ۱۴۰۰). روابط موازی به معنای نقض تعهد و اعتماد در رابطه زناشویی است که

1. O'Connor

2. Cloud and Townsend

3. Buechner

ابعاد و وجوه متعددی دارد و از آن جایی که بنیان خانواده را تهدید می‌کند؛ بررسی آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (فولادیان و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۷۷).

گرونتودت و همکارانش معتقدند که «تصور روابط عاشقانه و متعهدانه عاری از نوعی تخلف سخت است. علیرغم بهترین نیت برای ایجاد آسیب یا ناامیدی برای شریک زندگی خود، زیر پا گذاشتن قوانین و وعده‌ها تا حد زیادی در روابط طولانی مدت اجتناب ناپذیر است.» (گرین وود^۱، ۲۰۲۲). در حالی که برخی از تخلفات ممکن است بی‌اهمیت باشند و به راحتی قابل بخشش و فراموش شوند، مواردی که شامل خیانت هستند ممکن است تأثیرات قابل توجهی بر رابطه داشته باشند. به نظر می‌رسد که هر شکلی از خیانت از طرف هر یک از طرفین ممکن است پتانسیل ایجاد جدایی را داشته باشد (بندیکس^۱، ۲۰۱۸). تحقیقات در ۱۶۰ فرهنگ نشان داد که خیانت همسر شایع‌ترین دلیل جدایی است. خیانت نه تنها ممکن است تأثیر مخربی بر رابطه داشته باشد، که ممکن است منجر به جدایی یا طلاق شود و منجر به افزایش علائم افسردگی و کاهش عزت نفس شود (بوزویان^۲، ۲۰۲۲). با این حال، بررسی‌های جامعی که بسیاری از جنبه‌های خیانت را در بر می‌گیرد (به عنوان مثال، تمایز بین امور عاطفی و جنسی، تفاوت‌های جنسیتی تا رفتارهای برون‌داییک، تأثیرات آسیب‌های ناشی از خیانت) در ادبیات پراکنده است.

در پژوهشی لومن^۳ و همکاران (۱۹۹۴) گزارش کرده‌اند، ۲۵ درصد مردان و ۱۲ درصد زنان چنین روابطی داشته‌اند. همسران به دلایل بسیاری به روابط فرازناسویی می‌شوند؛ اما معمولاً چنین کاری نشان می‌دهد که در رابطه مشکلاتی وجود دارد. البته گاهی حتی وقتی مشکلی هم وجود ندارد روابط فرازناسویی رخ می‌دهد. در هر دو حالت، احساس فقدان و خیانتی که بعد از این روابط پدید می‌آید می‌تواند ویرانگر باشد. احساس خیانت

1. Bendixen

2. Bozoyan

3. Lumen

ناشی از بی‌وفایی گاهی تا سال‌ها به شکل بی‌اعتمادی و خشم در قربانی و به صورت احساس گناه و اندوه در کسی که دست به رابطه فرازنشویی زده باقی می‌ماند (والسر و وستراپ^۱، ۱۳۹۶: ۳۵-۳۶). همچنین در مطالعات فولادیان و همکاران (۱۳۹۹) گسست پیوندهای درون خانوادگی، جذابیت تجربه عشق مدرن، اضمحلال هنجارهای سنتی، دریافت منع و اجبار در اعمال روزمره از سوی خانواده، دریافت آزادی عمل از سوی خانواده، سوءرفتار همسر، تحرک اجتماعی و تغییر معیارها در طی زمان و از بین رفتن تابوی پیشنهاد رابطه فرازنشویی از سوی مردان به زنان متأهل، از شرایط علی در بروز پدیده تمایل به تجربه عشق به دیگری است. فردوسی (۱۳۹۷) در پژوهشی، بین رفتار دلبستگی در روابط زنشویی، کیفیت روابط زنشویی و سبک‌های دلبستگی با نگرش به خیانت زنشویی در زنان متأهل رابطه معناداری وجود دارد. اسلام زاده و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی سه دسته از عوامل شامل عوامل فردی (خودآگاهی، معنویت و ترس)، عوامل بیرونی (بافت و فرهنگ، دوراندیشی و خانواده) و عوامل ارتباطی (شامل صمیمیت معنوی و صمیمیت ارتباطی) به عنوان عوامل بازدارنده از روابط پنهانی مؤثر می‌باشد. و در مطالعات خارجی صورت گرفته مویز و همکاران^۲ (۲۰۱۸) در پژوهشی نشان دادند مردانی که از لحاظ جنسی در رابطه ثانویه خود رضایت داشتند، رضایت بیشتری از رابطه با شریک اصلی خود گزارش کردند، اما زنانی که از نظر جنسی با شریک ثانویه خود رضایت بیشتری داشتند، رضایت جنسی کمتری را در رابطه اولیه خود گزارش کردند. پزارو و فرناندز^۳ (۲۰۱۵) در پژوهشی دریافتند احساس منفی به کیفیت رابطه زنشویی، بی‌توجهی پدرانه به فرزندان، فرصت فزاینده برای روابط فرازنشویی یعنی محل کار، تلفن همراه و احساس کیفیت مثبت به روابط فرازنشویی، دلایل زنان برای ورود به روابط فرازنشویی است.

1. Walser and Westrup

2. Moise et al

3. Pizarro and Fernandez

عمدتاً روابط موازی را به سه دسته تقسیم‌بندی می‌کنند که عبارت‌اند از: (۱) خیانت‌های عاطفی: در این نوع از بی‌وفایی عاطفی، یکی از زوج‌ها به دلایل مختلف، مشکلات یا مسائل عاطفی فرد و خانواده را بیش از آنکه با همسرش مطرح کند، با فرد دیگری خارج از خانواده‌اش در میان می‌گذارد و از او حمایت عاطفی می‌جوید. (۲) خیانت جنسی: خیانت جنسی به معنای روابط جنسی مرد یا زنی دارای همسر با جنس مخالف است که غریبه می‌باشد. (۳) خیانت مرکب: شکل ترکیبی بی‌وفایی‌های عاطفی و خیانت جنسی است. این نوع خیانت فراوان‌تر از دیگر اشکال آن می‌باشد (شعاع کاظمی و مؤمنی جاوید، ۱۳۹۲). روابط موازی معمولاً با دو شاخص که می‌تواند به طور هم‌زمان یا به‌تنهایی وجود داشته باشند، شناسایی می‌گردد، اول شاخص عاطفی که شامل ابراز علاقه به فردی غیر از همسر است و دوم شاخص جسمانی که شامل رابطه جنسی با فردی غیر از شریک زندگی است (مایلی و همکاران، ۱۳۹۹). ریشه‌های ناپایداری ازدواج را می‌توان از دو منظر بررسی کرد:

یکی از جهت اصل پیوند و میزان جوش خوردن زوج‌ها با یکدیگر است. حالت دیگر ناپایداری ممکن است ناشی از فشار بیرونی به شاخه پیوند خورده یا فلز جوش خورده باشد که منجر به تضعیف پیوند یا جوش یا حتی قطع آن می‌شود. گاه ممکن است اصل پیوند زناشویی اشکالی نداشته باشد؛ ولی برخی عوامل خارج از ماهیت پیوند (تغییر در ویژگی‌ها و مشخصات آن، کارکرد و جایگاه آن در میان و دیگر نهادهای اجتماعی، وضعیت افراد در نهاد، ساختار قدرت و کارکرد آن)، موجب ضعف و ناپایداری آن می‌شوند (عبدی، ۱۳۹۳).

کیفیت رابطه موازی سه ضلع دارد: توافق، انسجام و خرسندی. اگر هرکدام از این سه ضلع از کیفیت مطلوبی در زندگی مشترک برخوردار نباشد، رابطه زناشویی دچار مشکل خواهد شد (هندیانی^۱ و همکاران، ۲۰۲۳). درست در همان لحظه‌ای که مرد وزن

احساس کنند عاشق یکدیگرند و این عشق را به یکدیگر ابراز کنند روابط فرازناسویی می‌تواند شکل بگیرد. اغلب روابط فرازناسویی با یا دوستی ساده شروع می‌شود؛ با عمیق‌تر شدن دوستی، آنها برای رفع نیازهای یکدیگر تلاش می‌کنند (احمدی اردکانی و همکاران، ۱۴۰۰). مطالعات و پژوهش‌های بالینی در جوامع آسیایی و اروپایی حاکی از آن است که برای گستره‌ی عظیمی از افراد، وفاداری در قالب روابط زناسویی ارزش و اهمیت بسیار بالایی برخوردار است و اکثریت این افراد، رابطه‌ی تک همسری و پای‌بند به تعهدات زناسویی را به عنوان قالب ارتباطی غالب مورد پذیرش و تاکید قرار می‌دهند، تاکید‌ی که میزان آن در جوامع آسیایی نسبت به جوامع اروپایی در سطح بالاتری قرار دارد (باربارو، فام و شاکلفورد، ۲۰۱۵؛ به نقل از چوپانی و همکاران، ۱۳۹۸).

از نظر گیدنز، جهانی شدن^۱ سیمای ظاهر جهان و همچنین نحوه‌ی نگریستن ما را به جهان دگرگون می‌سازد. جهانی شدن نه یک فراگرد واحد، بلکه آمیزه‌ی پیچیده‌ای از فراگردهایی است که غالباً به شیوه‌های تناقض‌آمیزی عمل می‌کنند و کشمکش‌ها، گسست‌ها و صورت‌های قشربندی نوپیدیدی را به بار می‌آورند، برای نمونه، احیای ملیت‌گرایی‌های محلی و تشدید هویت‌های محلی با تأثیرهای جهانی شدن در نقطه مقابل آن، پیوستگی مستقیم دارد (گیدنز، ۱۳۸۲ به نقل از بابایی فرد، ۱۳۸۴). آثار و نتایج جهانی با همان شدت و نیرو در حوزه خصوصی نیز احساس می‌شود. (گیدنز، ۱۳۸۶).

گیدنز معتقد است مدرنیته بر حسب سه بعد اساسی نظریه ساختاریابی از پویایی برخوردار است: فاصله‌مندی^۲ و ازجاکنندگی^۳ و بازاندیشی^۴. در جوامع ما قبل مدرن زمان همواره به مکان متصل بود و اندازه‌گیری آن فاقد دقت بود. با مدرن شدن زمان هم استاندارد شده و پیوند نزدیک زمان و مکان قطع می‌شود. از این لحاظ هم زمان و هم مکان «عاری» از محتوا می‌شوند. هیچ زمان یا خاصی تفوق ندارد. زمان یا مکان

1. Globalization
2. Distanciation
3. Disembedding
4. Reflexivity

صورت محض می‌شود. در جوامع ما قبل مدرن مکان عمدتاً برحسب حضور مادی و لاجرم مکان‌های محلی تعریف می‌شد. با آمدن مدرنیته مکان به تدریج از محل گسسته می‌شود. روابط با کسانی که حضور شخصی ندارند و دورند محتمل و محتمل‌تر می‌شود. از نظر گیدنز مکان به طور فزاینده‌ای «وهم‌گون» می‌شود؛ یعنی محل‌ها کاملاً تحت نفوذ و تأثیر عوامل اجتماعی کاملاً دور قرار دارند. روابط دور تعیین‌کننده خصوصیات محل را «شکل آشکار» محل پنهان می‌کند (گیدنز، ۱۹۹۰ به نقل از ریتزر، ۱۳۹۵). برقراری روابط با کسانی که در محل حضور ندارند و در فاصله‌ای بس دور از ما قرار گرفته‌اند، بیش از پیش امکان‌پذیر گشته است. به نظر گیدنز، مکان بیش از پیش حالت «جابجا شونده» پیدا کرده است، به این معنا که «مکان‌ها تحت تأثیر و رخنه نفوذهای اجتماعی بسیار دوردست شکل می‌گیرند. صورت مرئی هر مکانی در واقع روابط دوردستی در واقع روابط دوردستی را که ماهیت آن را تعیین می‌کند، پنهان می‌دارد (گیدنز، ۱۹۹۰ به نقل از ریتزر، ۱۳۹۰).

با توجه به اینکه روابط موازی به عنوان زنگ خطری برای سلامت و امنیت خانواده و جامعه است در کشورهای دیگر حجم وسیعی از پژوهش‌ها را به خود اختصاص داده، اما در ایران به دلیل تابو بودن مسئله و مشکل دسترسی به افراد درگیر با روابط موازی پژوهش‌های محدودی در این زمینه صورت گرفته و اغلب پژوهش‌ها نقش عوامل پیشبین را با روش کمی بررسی کرده‌اند و کمتر پژوهشی به مطالعه عمیق، کیفی و همه‌جانبه مسئله در بین زوج‌ها پرداخته است؛ بنابراین با توجه به خلاء موجود در شناخت ابعاد مسئله و عدم دسترسی به آمار دقیق در این زمینه پژوهش حاضر بر آن است تا با تبیین تجربه افراد درگیر از نگاه مشاوران حیطة ازدواج شناخت جامعی از ابعاد روابط موازی در بافت فرهنگی و اجتماعی جامعه ایرانی کمک نماید. از آنجایی که همسرانی که چنین تجربه‌هایی دارند معمولاً از طرف دادگاه‌های خانواده و یا از روی میل خود به مشاوران خانواده مراجعه می‌کنند می‌توان گفت مشاوران خانواده دارای

دانسته‌های ارزنده‌ای درباره‌ی این نوع تجربه‌ها باشند، از این‌رو هدف اصلی پژوهش حاضر، شناسایی نگرش مشاوران نسبت به نحوه‌ی شکل‌گیری و دلایل ورود همسران به روابط فرازناشویی می‌باشد. سؤالات پژوهش عبارتند از؛ مؤلفه‌های روابط فرازناشویی از دید مشاوران کدام‌اند؟ نگرش مشاوران نسبت به علل و زمینه‌های شکل‌گیری روابط فرازناشویی چیست؟ پیشران‌های تأثیرگذار بر شکل‌گیری روابط فرازناشویی از دید مشاوران چیست؟ پیامدهای روابط فرازناشویی برای زوج‌ها چه می‌باشد؟

روش پژوهش

در این پژوهش از روش داده‌بنیاد که یک روش کیفی است برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است. جامعه پژوهش را متخصصین حیطه ازدواج بود که با روش نمونه‌گیری هدفمند و در دسترس، تعداد ۲۰ نفر از مشاوران خانواده تا حد اشباع نظری مورد مصاحبه قرار گرفتند. به دلیل اینکه پژوهشگر می‌خواهند مطمئن باشد که داده‌های به دست آمده، ویژگی‌های مربوط به پژوهش را داشته باشد، نمونه‌گیری در همه تحقیقات نمونه در دسترس است (دلور، ۱۳۹۳). معیارهای ورود شرکت‌کنندگان به پژوهش، مشاورانی که مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره خانواده به علت خیانت زناشویی در نیمه دوم سال ۱۴۰۰ و رضایت آگاهانه برای شرکت در مطالعه داشتند. به منظور اجرای این پژوهش پس از هماهنگی لازم و توضیح درباره اهداف پژوهش، فراخوانی از سوی محقق به مراکز مشاوره خانواده استان خوزستان اعلام و سپس از مشاوران حیطه ازدواج به شرکت در طرح، مشخصات اولیه گرفته شد و به آزادی افراد در خروج یا ادامه ندادن همکاری شرکت‌کنندگان تأکید شد. لازم به ذکر است فرایند اعتمادسازی توسط محققین و درجریان مصاحبه از طریق اطمینان نسبت به حفظ گمنامی و محرمانه نگهداشتن اطلاعات برای موردهای مصاحبه حاصل شد و پس از آن افراد موردنظر، حاضر به انجام مصاحبه شدند. ملاک انتخاب از منظر تجربه خبرگانی کارشناسان حوزه زوج درمانگری است که با موضوع درمان خیانت زناشویی تجربه داشتند در این پژوهش

شرکت داشتند. برای دستیابی به افراد نمونه با استفاده از مراجعه به دفترکار، با ارائه اطلاعات در مورد طرح پژوهش حاضر و امکان برقراری ارتباط از سوی مشارکت‌کنندگان اقدام شد. جهت اطمینان از اعتبار پژوهش و افزایش قابلیت یافته‌ها از سه تکنیک مرسوم در روش کیفی استفاده شد. تکنیک اول: کنترل یا اعتبار یابی توسط اعضا؛ که در این روش بعد از کدگذاری اولیه متن مصاحبه‌ها و کدهای استخراج شده در اختیار شرکت‌کنندگان قرار گرفت و صحت متن‌ها به تأیید آنها رسید. تکنیک دوم: با استفاده از مقایسه تحلیلی به داده‌های خام رجوع شد تا ساختار بندی نظریه و داده‌های خام مقایسه و ارزیابی گردد. در نهایت تکنیک سوم: که با رجوع به متخصصان در حوزه تحلیل محتوای کیفی به مراحل مختلف کدگذاری، مفهوم سازی و استخراج مقولات نظارت شد. جمع‌آوری داده‌ها مصاحبه عمیق و نیمه ساختاریافته استفاده شد. سپس داده‌ها ثبت، کدگذاری و سپس در قالب مفاهیم، مقولات فرعی و مقولات اصلی طبقه بندی شدند.

یافته‌ها

جدول ۱. مشارکت‌کنندگان پژوهش

کد	جنسیت	مدرک تحصیلی	سابقه کار	شغل
۱	مذکر	دکتری	۱۹	مشاوره خانواده - عضو هیئت علمی
۲	مذکر	دکتری	۱۶	مشاوره خانواده - عضو هیئت علمی
۳	مذکر	دکتری	۱۰	مشاور خانواده
۴	مذکر	دکتری	۲۴	مشاوره خانواده - عضو هیئت علمی
۵	مذکر	دکتری	۱۵	مشاوره خانواده - عضو هیئت علمی
۶	مذکر	دکتری	۱۳	مشاور خانواده - کارمند
۷	مذکر	دکتری	۷	مشاور خانواده - مدرس دانشگاه
۸	مؤنث	دکتری	۹	مشاور خانواده
۹	مؤنث	دکتری	۱۷	مشاور خانواده - مدرس دانشگاه
۱۰	مؤنث	دکتری	۷	مشاور خانواده - معلم

کد	جنسیت	مدرک تحصیلی	سابقه کار	شغل
۱۱	مؤنث	دکتری	۱۴	مشاور خانواده - کارمند
۱۲	مؤنث	دکتری	۲۱	مشاور خانواده
۱۳	مؤنث	دکتری	۶	مشاور خانواده
۱۴	مؤنث	دکتری	۸	مشاور خانواده
۱۵	مؤنث	کارشناسی ارشد	۷	مشاور خانواده
۱۶	مؤنث	کارشناسی ارشد	۳	مشاور خانواده
۱۷	مؤنث	کارشناسی ارشد	۵	مشاور خانواده
۱۸	مؤنث	کارشناسی ارشد	۲	مشاور خانواده
۱۹	مؤنث	کارشناسی ارشد	۱	مشاور خانواده
۲۰	مؤنث	کارشناسی ارشد	۴	مشاور خانواده - کارمند

// تحلیل بیانات مصاحبه‌شوندگان (مشاوران حیطه ازدواج) در زمینه بسترهای تأثیرگذار در گرایش زوج‌ها به سمت روابط موازی، منجر به آشکار شدن ۱۹۵ واحد معنایی اولیه، ۳۱ مقوله محوری، ۱۵ مقوله اصلی و ۱ مقوله هسته شد. در ادامه مقولات اصلی، زیرمقوله‌ها و کدهای اولیه آن‌ها با تأکیدی بر نقل و قول‌های ابزاری، مستندسازی می‌شود.

مؤلفه‌های روابط موازی از دید کنشگران

پیچیدگی و گنگی در تعریف روابط موازی: نخستین مقوله‌ای بود که بدان دست یافتیم، مشارکت‌کنندگان معتقد بودند در بین زوج‌ها روابط فرا زناشویی تعریف‌های متفاوتی دارد و رفتارهای گوناگونی را به عنوان روابط فرا زناشویی بیان می‌دارند که این تنوع و گوناگونی نیز بسته به نوع بسترهایی بود که زوج‌ها در آنها پرورش یافته‌اند.

مشارکت‌کننده‌ای در این رابطه چنین می‌گوید: «عموماً مفاهیم اجتماعی تعریف و مرز دقیقی ندارند از نظر هر کسی گستره و دامنه مفهومی میتونه متفاوت باشه این مسئله در مورد خیانت و روابط خارج از ازدواج هم صدق می‌کنه. هیچ زنی از اینکه همسرش

رابطه صمیمانه و بسیار عاطفی با زن دیگری داشته باشد خوشحال نمیشه در تعریف گسترده‌تر اون می‌توان گفت هر نوع رابطه با فردی غیر از همسرکه منجر به ایجاد احساس عاشقانه لذت و عاطفه شود. مهم‌ترین نشانه خیانت و رابطه فرا زناشویی این است که شخص مایل نیست همسرش چیزی از اون بدونه و اونو از همسرش پنهان می‌کند».

گذر از رفتارهای متعهدانه در زندگی زناشویی: روابط زناشویی همراه با خودش در ابتدا باید تعهد و پایبندی به دنبال آورد. هر کدام از زوج‌ها نسبت به همسر خود رفتار متعهدانه را کنار بگذارد و پایبندی خود را از دست دهد و از چارچوب‌های زندگی متأهلی پا را فراتر گذارد و ارتباط با شخص دیگری در هر قالبی عاطفی، کلامی و جنسی برقرار کند گرفتار نوعی روابط فرا زناشویی شده است.

مشارکت‌کننده ایدراین رابطه چنین می‌گوید: «اگر بخواهیم بی‌صدافتی و خیانت را تعریف بکنیم یه چند تا مؤلفه داره یعنی خیلی وقتا این سؤالی که شما می‌پرسید رو خود زوج‌ها هم می‌پرسند. مثلاً وقتی که شک دارن که آیا کارشون درسته یا نادرست که وارد یه رابطه بشوند و یا یه پیشنهادی داشتن و نمیدونن که آیا این رفتارشون رفتار درستی هست یا نه بهترین کار این هست که فرد چند تا سوال از خودش پرسه؟ یعنی اینکه من رابطه‌ای رو پنهان کنم؛ یعنی میتونه شروع رابطه فرا زناشویی باشه رابطه‌ایکه همسرم تاییدش نکنه و با من همراهی نکنه پس یعنی من دارم از یه سری چارچوب‌ها و حد و حدودها عبور می‌کنم».

شیوه‌های روابط موازی: با پیدایش و گسترش فضای مجازی، روابط فرا زناشویی نیز شکل‌ها و ابعاد جدیدی به خود گرفته است و موجب تنوع بیشتری در این روابط شده است. در گذشته معمولاً یک نزدیکی یا قُرب فیزیکی چه در حال همسایگی و یا چه در حالت شغلی و... زمینه‌ساز چنین روابطی بود؛ اما امروزه فضای مجازی تسهیل‌کننده این روابط بوده است.

مشارکت‌کننده‌ای دراین رابطه چنین می‌گوید: «الان جدیداً فضای مجازی خیلی

تأثیرگذار بوده؛ یعنی الان روابطی رو داریم که بدون شناخت اتفاق میفته قبلاً به همسایه‌ای به دوستی به فامیلی همکاری بود که اعتماد به شکل گرفته بود و بعد حالا به هر دلیلی و کمبود و خلای افراد به سمت هم متمایل میشدن اما الان این قضیه تبدیل شده به یه پیام در فضای مجازی و شروع رابطه».

مشارکت‌کننده دیگری در این رابطه چنین می‌گوید: «همه جا میتونه باشه شما الان تو اتاق خوابت با اینکه هیچ‌کس نیست؛ اما خیلی آدم هست شما گوشیتو باز می‌کنی اینستا، تانگو واتساپ و... کافی است بخوای از تنهایی در بیای در عرض یک دقیقه تا پنج دقیقه هر کسی رو بخوای میتونی وارد زندگیت بکنی».

جدول ۲. مؤلفه‌های روابط موازی

مفاهیم	مضمون اصلی
مبهم بودن تعریف روابط فرا زناشویی، مشخص نبودن مرز خیانت، مشخص نبودن دامنه روابط فرا زناشویی، پیچیدگی و روشن نبودن مفهوم روابط فرا زناشویی	پیچیدگی و گنگی در تعریف روابط
شخصی شدن تعریف رابطه، تعریف رابطه بر اساس ذائقه، مهم بودن ذهنیت افراد در تعریف روابط فرا زناشویی، تأثیر فرهنگ بر تعریف روابط فرا زناشویی	موازی
روابط خارج از حوزه و حریم زندگی زناشویی، فکرکردن به شخصی غیر از همسر، امکان ابراز آشکار داشتن رابطه، پذیرش رابطه توسط همسر	گذر از رفتارهای متعهدانه در زندگی
شکستن چارچوب‌های زندگی زناشویی، ارتباط عاطفی و جنسی با غیرهمسر، روابط کلامی با غیرهمسر	زناشویی
تنوع روابط فرا زناشویی، شکل‌های جدید روابط فرا زناشویی، ابزارها و شیوه‌های جدید روابط فرا زناشویی	
ارتباط تلفنی، ارتباط پیامکی، ارتباط مجازی، ارتباط کلامی، ارتباط جنسی	

شرایط علی

غوطه‌ور شدن در نقش‌های خانوادگی و اجتماعی: هنگامی که زوج‌ها به زندگی زناشویی وارد می‌شوند و درگیر فعالیت‌ها و دل‌مشغولی‌های زندگی متأهلی می‌شوند و از هیجانات اولیه زندگی متأهلی فاصله می‌گیرند و یک نوع روزمرگی و یکنواختی در

زندگی‌شان آغاز می‌شود و آن روابط عاشقانه جای خود را به مسائل زندگی روزمره می‌دهد. ممکن است زوج‌ها از هم فاصله بگیرند.

مشارکت‌کننده‌ای در این رابطه چنین می‌گوید: «یکی از دلایلی که ما میتونیم بهش اشاره بکنیم این هست که بعد از ازدواج افراد فکر میکنند که دیگه حالا همه چیز اوکیه دیگه تموم شده هست و مخصوصاً آقایون رو به کار می‌آرن و کار رو اولویت زندگی قرار میدن و شبانه‌روزی مثل یک تراکتور کار میکنند و وقتی هم خونه میان خستگی‌ها را با خودشون میان تو منزل و اصلاً اجازه نمیده خانم باش صحبتی بکنه رابطه‌ای برقرار بکنه و همین ماجرا باعث میشه که دیگه صبر طرف لبریز بشه و وارد روابط فرا زناشویی بشه».

تحمیل انتخاب و اعتراض پنهان: این نوع ازدواج با شاخص عدم رضایت دختر یا پسر شناخته می‌شود، پس وقتی هر دو طرف یا یک طرف نسبت به عقد انجام شده رضایت قلبی یا رضایت ظاهری نداشته باشد، ازدواج از نوع اجباری است. پرداختن به این مفهوم بستگی به فرهنگ و سنت‌های هر منطقه نیز دارد، به طور مثال در یک فرهنگ سنتی پدرسالار، این نوع ازدواج با انتخاب پدر یا پدر بزرگ اتفاق می‌افتد و رضایت زوج‌ها برای ازدواج دارای اهمیت نبوده و مفهومی به نام ازدواج اجباری دور از ذهن است (کمال‌الدینی و ازکیا، ۱۳۹۵).

مشارکت‌کننده‌ای در این رابطه چنین می‌گوید: «مسئله دیگه که میتونه پیش بیاد مسئله ازدواج‌های سنتی است؛ و توجیهش اینه که من هیچگاه زندگی با عشقی نداشتم و عشق رو تجربه نکردم این مسائلی است که همیشه در اتاق مشاوره تکرار میشه. یک نارضایی یک خلأ و یک کمبود وجود دارد و یک کمبود میتونه این باشه که این فرد به من تحمیل شده و چون این فرد به من تحمیل شده من نمیتونم اون رو به عنوان همسرم بپذیرم».

تجربه عشق مدرن و سرخوردگی زناشویی: در پی دوره مدرنیت اولیه که مشخصه آن

جست‌وجو برای مقوله‌های ناب و صریح بر مبنای روابط نهادینه شده و بالنسبه باثبات بود، دوره‌ای از تنوع ظهور کرد. در این دوره، دیگر به نظر نمی‌رسید که خانواده کانونی برای روابط نخستین باشد، بلکه بیشتر مکانی مشترک برای ایفای نقش محبت و عشق‌ورزی تلقی می‌شد؛ بنابراین تمرکز حوزه روابط نخستین یا روابط نزدیک به حوزه صمیمیت تغییر یافت (لطفی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۸).

مشارکت‌کنندگان تصریح داشته‌اند که واقعیت این است که روابط فرا زناشویی به دلیل یک نیاز اتفاق می‌افتد، یک خلأ و یک کمبود حالا این نیاز میتونه در شخصیت فرد باشد می‌تواند در روابط زناشویی باشد می‌تواند در روابط خواسته‌ها فردی و اجتماعی باشد.

مشارکت‌کننده‌ای در این رابطه چنین می‌گوید: «یکی از دلایلی که مردها وارد روابط موازی می‌شوند وضعیت مالی و اقتصادی است در واقع وقتی درآمد از یه حدی بالا برود و در فرد الگوی تعهد کم‌رنگ باشد این احتمال وجود دارد که فرد یه این روابط گرایش پیدا کند. من مدتی پیش یه مراجعه‌کننده مرد داشتم که خیانت کرده بود این آقا درآمد زیادی داشت و می‌گفت از یه جایی احساس کردم سرریز درآمد دارم و نمی‌دونستم کجا باید خرجش کنم. آمدم به خودم گفتم من که پول دارم چرا خوش نگذرانم و رفتم تو یه رابطه‌ای که پیشنهاد داده بودم و طرف مقابل پذیرفته بود و برای اون طرف یه خونه خریده بود و به بهانه سرکار رفتن و... می‌رفت پیش ایشون. یعنی اون درآمد باعث میشه همچین اتفاقاتی بیفته».

نداشتن توان مقابله: مقابله را می‌توان فرایند فعال و هدفمند پاسخ‌دهی به موقعیت‌هایی که دشوار یا تنیدگی‌زا ارزشیابی می‌شوند، تعریف کرد (قیاسی، ۱۳۹۹: ۱۶۵). توان یا راهبردهای مقابله مجموعه‌ای از تلاش‌های شناختی و رفتاری فرد است که در جهت تغییر، تفسیر و اصلاح یک وضعیت تنش‌زا به کار می‌رود و منجر به کاهش رنج ناشی از آن می‌شود (زارع و شیخ‌بهایی، ۱۳۹۴). شناخت سطحی طرفین ازدواج از این

ناهمگونی‌ها به عنوان شرایط علی ازدواج ناآگاهانه، عدم پذیرش شرایط موجود و در نهایت تمایل به استحاله و تلاش برای تغییر طرف مقابل است. زیرا انسان موجودی منفعل و بدون اراده افریده نشده است و این عدم توانمندی به دلایل مختلف از جمله نداشتن جهان بینی صحیح درباره زندگی، عدم مسئولیت مندی زوج‌ها نسبت به زندگی، خود و رابطه‌شان می‌تواند شکل بگیرد.

مشارکت‌کننده‌ای در این رابطه چنین می‌گوید: هنگامی که هر یک از زوج‌ها وارد زندگی زناشویی می‌شوند یک سری انتظارات و ایده‌آل‌ها برای خود دارند. این ایده‌آل‌ها و انتظارات می‌تواند در همه زمینه‌ها از جمله نیازهای عاطفی، هیجانی و نیازهای جنسی و ... باشد هنگامی که زوج‌ها در هر کدام از این نیازها به ارضای مدنظر نرسند میبینیم که زوج‌ها توان مقابله با این کمبودها و خلاءها را ندارند.

مشارکت‌کننده‌ای در این رابطه چنین می‌گوید: «بهانه نیست اما شاید نتوانیم بگیریم دلیل اصلی هم هست. دلایل دوم و سوم و جانبی الان واقعیت اینه که دانش خانم‌ها از مسائل جنسی بیشتر شده و حتی مثل گذشته این جور نیست که یه فرد منفعل باشو حتی خودشون هم یعنی یه چیزی که میتونم به قطعیت بگم اگر نارضایتی جنسی منجر به خیانت شده باشه این دفعه توی خانم‌هاست. یعنی می‌تونیم بگیریم خانم‌های زیادی رو دیدیم که به دلیل نارضایتی جنسی به خیانت رو آوردن».

جدول ۳. پسترهای علی روابط موازی

مفاهیم	مقوله محوری	مقوله اصلی
فروکش کردن هیجانات اولیه زندگی، فاصله گرفتن از هیجانات سال‌های اولیه زندگی، یکنواختی زندگی در بین زوج‌ها، ازدست دادن نشاط زندگی، عدم تجربه روزهای خوش، فروکاستن روابط عاشقانه نخستین به مسائل روزمره، فرورفتن در نقش مادری و پدری، اولویت قراردادن کار از طرف آقایان	روزمروگی در بین روابط بین زوج‌ها	تحمیل انتخاب و اعتراض پنهان
ازدواج اجباری، ازدواج سنتی، ازدواج زود هنگام، ازدواج‌های مصلحتی		

مفاهیم	مقوله محوری	مقوله اصلی
ازدواج ناآگاهانه	و قوم مدارانه	
داشتن موقعیت و شرایط مناسب برای خیانت، تقدم پول بر تعهدات زندگی، توانمندی مالی، عدم حمایت مالی، نیاز اقتصادی، شغل های مستعد گرایش به روابط فرا زناشویی	دارندگی و برازندگی	تجربه عشق مدرن و سرخوردگی زناشویی
خلأ عاطفی بین زوج ها، زندگی ناقص زناشویی، نبودن محبت و عشق کلامی، عدم برآورد نیاز عاطفی، طلاق عاطفی، عدم رضایت عاطفی، عدم ابراز محبت کافی از جانب همسر، دیدن نشدن	اختلال در صمیمیت زوج ها	
برآورده نشدن ایده آل های زوج ها در زندگی زناشویی، برآورده نشدن انتظارات، بی توجهی به نیاز همسر، توجه نکردن زوج ها به هم برآورده نشدن نیازهای عاطفی و هیجانی، بی توجهی به جذابیت های زنانه، ناامید شدن از همسر	احساس ناکامی در بین زوج ها	نداشتن توان مقابله
عدم رضایت جنسی، برآورده نشدن نیازهای جنسی، اهمیت ارتباط جنسی در استمرار زندگی زناشویی، سرد بودن رابطه جنسی، سرد مزاجی زوج ها، پایین بودن آگاهی جنسی زوج ها	نارضایتی جنسی	
خشمونت خانگی، اختلافات زناشویی، داشتن تنش در روابط زناشویی، داشتن مشکل در رابطه بین زوج ها، حل نکردن چالش های زندگی، عدم تفاهم بین زوج ها، دل زدگی زناشویی	سختی و تنش در زندگی	
عدم علاقه بین زوج ها، فقدان صمیمیت در خانواده، شخصیت های ناهمسان	زوج های ناهمسان	
نداشتن زندگی با عشق، راضی نبودن از زندگی، کم گذاشتن وقت برای همدیگر، تجربه صمیمیت مجدد		

شرایط زمینه‌ای

اضمحلال نگرش‌ها و عقاید عمومی: آلپورت^۱ در تعریف نگرش می‌نویسد: حالت ذهنی یا عصبی حاکی از تمایل که از طریق تجربه سازمان یافته و بر پاسخ‌های فرد به تمامی موضوعات و موقعیت‌هایی که با آن در ارتباط است، تأثیری جهت‌دار و پویا دارد. به عبارت دیگر، هر نگرشی نوعی موضع‌گیری قبلی برای انجام عمل مثبت یا منفی نسبت به اشخاص، اشیا و حوادث است و نقش جهت‌دهنده در تبدیل حالت روانی عاطفی به حالات حرکتی ایفا می‌کند (شرف‌الدین، ۱۳۷۷).

مشارکت‌کننده‌ای در این رابطه چنین می‌گوید: «محیط، جامعه، تغییرات نگرشی و بینشی و حتی اعتقادات مذهبی، پابندی به خانواده، اصول خانوادگی و آموزش همه اینها می‌تونه تأثیرگذار باشه. مثلاً هست کسانی که هیچ نارضایتی هم در روابط زناشویی شون ندارن اما از بس تعریف بهنجار و ناهنجار این سال‌ها تغییر کرد؛ یعنی یه سری چیزها وقتی در جامعه فراگیر شد ما نتونستیم روش اسم ناهنجار بزاریم. وقتی یه چیزی فراگیر بشه من هم به عنوان یک عضوی از جامعه به عنوان یه چیز وحشتناک بهش نگاه نمی‌کنم و خوب این می‌تواند تأثیرگذار باشه در اینکه من هم برم و امتحانش کنم».

مشارکت‌کننده دیگری در این رابطه چنین می‌گوید: «این پدیده به صورت همه‌گیر در جامعه و کشور ما در حال افزایش و علت آن هم برمیگرده به تغییرات فرهنگی، تغییرات باور، نگرش، افکاری که در واقع چه خانم‌ها چه آقایون نسبت به گذشته پیدا کردن ما می‌بینیم این پدیده ناهنجار در حال حاضر رو به گسترش و افزایش و حتی می‌شود این تضمین رو داد که در آینده نزدیک بدتر هم خواهد شد».

فضای مجازی تسهیل‌کننده روابط موازی: بیشترین حوزه‌ای که از شبکه‌های مجازی و اجتماعی تأثیر پذیرفته حوزه ارتباطات و تعاملات انسانی است. شبکه‌های اجتماعی مرزهای قراردادی و عرفی را از میان برداشته و افراد را ورای مرزهای جغرافیایی، فرهنگی،

اقتصادی و عقیدتی کنار هم نشانده است (احمدنیا، ۱۳۹۶).

مشارکت‌کننده‌ای در این رابطه چنین می‌گوید: «چیزی که الان داره خیلی خودشو نشون میده اون خیانت‌های سایبری هست و خیلی اینو می‌بینیم به هر حال پیشرفت تکنولوژی و در دسترس و آسون بودن دنیای مجازی تعریف خیانت رویه جورایی اومده تغییر داده که ابعاد مختلفی رو اومده بهش اضافه کرده که حتی ممکنه با یک پیام ساده این ارتباطه شروع بشه و شکل گسترده‌تری پیدا کنه و چیزی که زیاد می‌بینیم اینه که یک سری از افراد اصلاً اعتقاد دارند که خیانت در حد پیام معنایی نداره، گفت‌وگو کردن مجازی را خیانت حساب نمیکنن درحالی‌که تعیین چارچوب و مرزبندی روابط آنلاین خیلی پیچیده‌تر از اون چیزی هست که تصور میشه و خیلی از اوقات افراد را درگیر مسئله خیانت می‌کند».

هیجان‌خواهی و عدم مراقبت از بدن خود: محققان هیجان‌خواهی را به صورت صفتی که ویژگی آن جست‌وجوی هیجان‌ها و تجربه‌های متنوع، تازه، پیچیده و شدید و میل به اقدام به خطرهای جسمانی، اجتماعی، قانونی و مالی به خاطر خود تجربه‌ها تعریف می‌کنند. هیجان‌خواهان، افرادی ماجراجو و برون‌گرا هستند. از تکرار و یکنواختی خسته، کسل و بی‌حوصله و بی‌قرار می‌شوند و در جست‌وجوی تجارب جدید، متنوع و هیجان‌انگیزند.

از نظر زاکرمن^۱ رفتار هیجان‌خواهی به نوعی نیاز به احساسات و تجربیات جدید، گوناگون و پیچیده است و شخص دارای چنین رفتاری حاضر است برای به دست آوردن اینگونه تجربیات به اعمال مخاطره‌آمیز اجتماعی و یا فیزیکی دست بزند. هیجان‌خواهی می‌تواند بر رفتار، ویژگی‌ها و اولویت‌ها یا افراد اثر بگذارد. افراد دارای هیجان‌جویی بالا به فعالیت‌هایی می‌پردازند که با تحرک و انگیزش زیادی همراه است (دمیرچی، ۱۳۹۸).

مشارکت‌کننده‌ای در این رابطه چنین می‌گوید: «یکی از نشانه‌های مردانگی این

است که بتونه نگاه زنانی غیر از زن خودش را جلب کند و این یکی از نشانه‌های جذابیت در بین مردان است و این نوع گروه دوستان فقط مختص به آقایان نیست من مراجعه‌کنندگان خانمی داشتم که می‌گفت دوستانی مجرد و متأهلی داشتم که هر موقع دور هم جمع می‌شدیم بی‌پروا از داشتن روابطی در کنار همسرشان صحبت می‌کردند و حتی این را برای این کار داشتند که اصطلاحاً حال دلشان بهتر باشد و این افراد را ترغیب به داشتن روابط و دوستی‌هایی با غیر از همسر می‌کردند».

متماایل نبودن زوج‌ها نسبت گفت‌وگو با هم: بوهم^۱ (۱۳۸۱) گفت‌وگو را برای رسیدن به اشتراکات در فهم و آگاهی متقابل و رفع سوء تفاهم و در نهایت ایجاد تغییرات سازنده به طور فردی و جمعی، در جمع و فرد مطرح می‌کند (رحمانی و امین‌زاده، ۱۳۹۶).

مشارکت‌کننده‌ای در این رابطه چنین می‌گوید: «یکی از پایه‌ترین نیازها که بین زوج‌ها وجود دارد گفت‌وگو و مهارت ارتباط مؤثر هست و زمانی که ما مراجعه‌کننده رو در واقع به عنوان زوج درمانی برای رابطه و ترمیم بازسازی و ضعف روانی بررسی می‌کنیم می‌بینیم که این زوج‌ها تایمی برای همدیگه نمیداشتن، وقتی برای همدیگه نمیداشتن گفت‌وگوی مؤثری نداشتن ارتباطشون ارتباط سالمی نبود زبان بدن در واقع درستی نداشتن و اینها منجر می‌شده که فقط در مورد مسائل اساسی صحبت بشه گفت‌وگوها تکراری باشه صرفاً برای رفع مشکلات روزمره زندگی باشه ولی در بعد عاطفی هیجانی و اون جایی که نیاز به همدلی هست نیاز به تخلیه است نیاز به این هست که مراجعه‌کننده احساس لذت بیره از اینکه حرف‌های من شنیده میشه رو نداره ما می‌بینیم که رابطه‌های فرا زناشویی به دلیل آن خلأهایی که در ذهن فرد به وجود اومده بوده شکل می‌گیره».

حفظ نکردن پرچین‌های زندگی شخصی: حریم شخصی به معنای حق اشخاص، گروه‌ها نسبت به تصمیم‌گیری در خصوص اینکه چه زمانی و تا چه حدی، اطلاعات

مربوط به آنها در اختیار دیگران قرار گیرد (محسنی و قاسم‌زاده، ۱۳۸۵).

مشارکت‌کننده‌ای در این رابطه چنین می‌گوید: «مثلاً من خانم یا من آقا از زندگیم راضی نیستم میام و با همکارام درد و دل می‌کنم حالا خانم یا اون اقا احساس نزدیکی و توجه را از طرف مقابل می‌گیرد و این رابطه نزدیک‌تر میشه. مثلاً مراجعه‌کننده‌ای داشتم که گفته همکار بودیم و می‌نشستم از کمبودها و خلأهایی که در زندگی داشتم و یا شوهرم آنها را ایجاد کرده بود در میان می‌گذاشتم و همین باعث شده بود که وقتی برام دلسوزی می‌کرد احساس نزدیکیشو بهم حس کنم و وقتی به خودمون اومدیم متوجه شدم توی رابطه هستم».

مشارکت‌کننده دیگری در این رابطه چنین می‌گوید: «کلاً من اعتقاد دارم که انسان‌ها باید با صمیمی‌ترین دوست و فامیل به حد و مرزهایی را رعایت کنند و هیچگاه اجازه ندهند کسی به درون آن حد و مرزها گذر کند. من مراجعه‌کننده خانمی داشتم که اظهار می‌کرد شوهر من دوستی داشت که شوهرم اعتماد کاملی بهش داشت و حتی خریدهای خونه رو اون انجام می‌داد».

تعلیق در زندگی: وضعیت معلق که افراد در زندگی مشترک گرفتار شده‌اند؛ به‌گونه‌ای است که زندگی مشترک برایشان تحمل‌ناپذیر شده است و به علت‌های خاصی مجبور به ادامه زندگی هستند. افراد درگیر خیانت خواه کسانی که خیانت می‌کنند، خواه کسانی که خیانت می‌بینند دچار سردرگمی، تعلیق و برزخ هستند (افراسیابی و رضوی ۱۴۰۰).

مشارکت‌کننده‌ای در این رابطه چنین می‌گوید: «مراجعه‌کننده دیگری داشتیم که ازدواج کرده و رفته تو زندگی و دیده فقط ارزش انتظار هست که بشوره و بپزه و اون احساس بی‌ارزش بودن بهش دست می‌ده و اون در واقع نیازهایی اصلیش برآورده نشده و به اصطلاح پرچین زندگیش فرو ریخته و هر دزدی میتونه وارد بشه. از اون طرف هم وقتی مرد در کنار همسرش احساس ضعف بکنه مردان میرن با دختران ضعیف وارد رابطه

میشن چون نتونسته در کنار زن قدرتمند خودش باشه پس باید برم یه پله پایین‌تر رو انتخاب کنم که در کنار او احساس قدرت کنم، خانمه اومده می‌گه من دلم می‌سوزه نرفته با از من بهتری رفته با کسی که خیلی از من پایین‌تره. پس میره یک نفر که ضعیف‌تره رو انتخاب می‌کنه که در کنار اون احساس قدرت بکنه».

جدول ۴. شرایط زمینه‌ای روابط موازی

مفاهیم	مضمون محوری	مضمون اصلی
تغییرات فرهنگی، تغییر باورها، تغییر نگرش‌ها، تغییر ارزش‌ها، تغییر اعتقادات مذهبی، تغییر در ساختار، تضعیف تکلیف‌گرایی، تغییر افکار در زن‌ها و مردها، تغییر به نگاه در کارکرد ازدواج	دگردیسی‌های فرهنگی	اضمحلال نگرش‌ها و عقاید عمومی
عضویت در گروه‌ها، گروه‌های دوست‌یابی، تأثیر گروه همسالان بر روابط فرا زناشویی، الگوهای مؤثر بر افراد	پیوند افتراقی با همسالان	
تجربه گذشته افراد در خانواده، پایین بودن معیارهای اخلاقی در خانواده، فرزندپروری ناصحیح، نداشتن بلوغ عاطفی و عقلانی، ضعف الگوهای تعهد در فرد، اهمیت فضای خانواده،	الگوهای ناشایست اخلاقی	
داشتن روابط قبل از ازدواج، تجربه روابط بی‌ثبات قبل از ازدواج، خوگرفتن به روابط ناپایدار و کوتاه‌مدت، سخت بودن تغییر عادت‌واره ذهنی مبتنی بر روابط کوتاه‌مدت، تجربه افراد در مراحل رشد، عشق بی‌وصال	روابط متزلزل قبل از ازدواج	
فضای مجازی زمینه‌ساز روابط فرا زناشویی، تسریع شکل‌گیری روابط در بستر فضای مجازی، تحول در ارتباط انسانی	شتاب بخشیدن فضای مجازی به روابط فرا زناشویی	فضای مجازی تسهیل‌کننده روابط فرا زناشویی
بیشتر بودن وقت زن‌ها، پر کردن تنهایی، پر	داشتن وقت آزاد بیشتر	

مفاهیم	مضمون محوری	مضمون اصلی
کردن اوقات فراغت		
اختلالات شخصیتی، اختلالات جنسی، تنوع طلبی جنسی، مشاهده فیلم های پورن، شکل گیری انتظارات خاص حاصل از دیدن فیلم های پورن	اختلالات شخصیتی	هیجان خواهی و عدم مراقبت از بدن خود
دلایل فردی گرایش به روابط فرا زناشویی، هیجانانات منفی، هیجان طلبی، شخصیت های مرزی، روحیه های لغزنده، هیجان طلبی افراد، تجربه سوء استفاده جسمی و جنسی در کودکی	شخصیت های ناپایدار	
مهارت برقراری ارتباط، عدم گفت وگو بین زوج ها، سواد پایین رابطه بین زوج ها، گفت وگو یک طرفه و تحکمی	عدم مهارت در برقراری ارتباط	حفظ نکردن پرچین های زندگی شخصی
توجه به حریم زندگی خصوصی، درمیان گذاشتن مسائل زندگی خصوصی با دیگران	نادیده گرفتن حرمت حریم خصوصی	
تقلیل نیازهای زن به نیازهای مادی، احساس نداشتن جایگاه مناسب در زندگی، نگذاشتن وقت کافی برای همدیگر	کاستن ارزشمندی زن به نیازهای مادی	
قطعی نبودن داشتن رابطه قبل از ازدواج و گرایش به روابط موازی	تعهد هراسی	هیجان محوری و تکانش
نداشتن مهارت های زندگی، پیچیدگی شرایط آنلاین، بازی های آنلاین، دوری از همسر	عدم تعهد از حصار وفاداری	

استراتژی ها

تلاش جهت گفتگو با تکیه بر دیگری مهم: یکی مقولاتی که به آن دست یافتیم تلاش جهت تسکین باتکیه بر دیگری بود در واقع آن راهبردی که هریک از زوج های

آسیب‌دیده از روابط فرا زناشویی که به آن دست آویز می‌شود. اینکه چرا زوج‌ها برای چاره‌جویی مشکلات خود دست به چنین عملی می‌زند در ابتدا برمی‌گردد به اینکه زوج‌ها گفت‌وگو کمی با هم دارند و خیلی از زوج‌ها به لحاظ عاطفی از یکدیگر فاصله دارند و نمی‌توانند مشکلات خود را با یکدیگر در میان بگذارند و راه‌حلی برای آنها پیدا کنند.

مشارکت‌کننده‌ای در این رابطه چنین می‌گوید: «یکی از پایه‌ترین نیازها که بین زوج‌ها وجود دارد گفت‌وگو و مهارت ارتباط مؤثر هست و زمانی که ما مراجعه‌کننده رو در واقع به عنوان زوج درمانی برای رابطه و ترمیم بازسازی و ضعف روانی بررسی می‌کنیم می‌بینیم که این زوج‌ها تایمی برای همدیگر نمیداشتن، وقتی برای همدیگر نمیداشتن گفت‌وگوی مؤثری نداشتن ارتباطشون ارتباط سالمی نبود زبان بدن در واقع درستی نداشتن و اینها منجر می‌شده که فقط در مورد مسائل اساسی صحبت بشه گفت‌وگوها تکراری باشه صرفاً برای رفع مشکلات روزمره زندگی باشه ولی در بعد عاطفی هیجانی و اون جایی که نیاز به همدلی هست نیاز به تخلیه است نیاز به این هست که مراجعه‌کننده احساس لذت ببره از اینکه حرف‌های من شنیده میشه رو نداره ما می‌بینیم که رابطه‌های فرا زناشویی به دلیل آن خلأهایی که در ذهن فرد به وجود اومده بوده شکل می‌گیره».

جدول ۵. استراتژی‌های روابط موازی

مفاهیم	مقوله محوری	مقوله اصلی
ضرورت گفت‌وگو بین زوج‌ها، احساس شنیده شدن در گفت‌وگو، گفت‌وگو تعارض‌آمیز، گفت‌وگو تحکمی، گفت‌وگو یک‌طرفه	تعامل و گریز از پوچی روابط	تلاش جهت تسکین با تکیه بر دیگری مهم
توجیه خیانت، بهانه‌جویی‌های بی‌مورد، ازدواج صحیح، انتخاب آگاهانه، مشاوره پیش از ازدواج، داشتن معیارهای مناسب، دادن فرصت کافی برای ازدواج، آموزش مداوم		

مفاهیم	مقوله محوری	مقوله اصلی
انتقام جویی از همسر، جایگزینی خیانت به جای حل مسئله، استفاده از ازدواج موقت در بین مردها، ارزشمندی طلاق به روابط فرا زناشویی	لفاظی و عشق میل محور	
بازگونکردن رازهای زندگی، بی‌احساسی، دروغگویی و نقش بازی کردن، بازیگری عاطفی، پنهان کاری میان زوج‌ها، بی‌بندوباری جنسی، نقش بازی کردن در روابط، ارتباط ماشینی		

پیامدها

کم‌رنگ شدن فرهنگ شرم و حیا: تابو خصلتی را می‌رساند که برای یک شخص یا یک چیز پذیرفته می‌شود و تماس با آن یا استفاده از آن را برای دیگر مردم ممنوع می‌سازد (بیرو، ۱۳۸۰). طبق نظر دورکیم رعایت تابو از لحاظ اجتماعی این نتیجه را دارد که گروه اجتماعی را در پناه آداب و احساسات مشترک به هم پیوند می‌دهد (آبرکرامبی و همکاران، ۱۳۶۷). حیا صفتی است که در حوزه تعاملات اجتماعی نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند و علی‌الخصوص در جوامع اسلامی و فرهنگ‌های شرقی از صفات بسیار پسندیده و مثبت محسوب می‌شود (رمضانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۵۶). مشارکت کنندگان در این خصوص معتقدند؛ کانون خانواده در خطر است الان قبح یک سری چیزها شکسته شده یک سری چیزها دارد بی‌پروا انجام می‌شود واقعاً روابط جنسی یک فاجعه است.

مشارکت کننده ای در این خصوص چنین می‌گوید: «یک دختر ۱۷ ساله مراجعه‌کننده داشتم که شیشه مصرف می‌کرد سیگار می‌کشید در کیفشو اینجا باز کرد پاکت سیگار و شیشه مشروبشو می‌دیدم وقتی بک گراندشو نگاه می‌کردم برمی‌گشت به خانواده. پدر و مادری را می‌دیدم که دائم در تنش بودند مادری که مادام قهر بود و می‌رفت خونه پدرش و این دختر را پیش پدرش تنها می‌گذاشت و پدر معشوقه داشت و به راحتی معشوقه خودشو جلو دختر به خانه می‌آورد و این باعث می‌شد که قبح یک

سری چیزها شکسته بشه. من میتونم روابط متعدد داشته باشم، من میتونم سیگار بکشم و... شاید تا یک دهه دیگه کانون خانواده معنا نداشته باشه هرکسی برای خودش زندگی کنه چه زن چه مرد چه دختر چه پسر این چیزی هست که خانواده رو تهدید می‌کنه».

خودفریبی و دیگر فریبی مکارانه: رفتار یا عملی که شخص با انجام دادنش باعث پنهان شدن حقیقت نزد خودش می‌شود؛ یا رفتاری که شخصی انجام می‌دهد و در نتیجه اشتباهی را درست می‌پندارد (علیزاده و تیموری فریدنی، ۱۳۹۶). افراد از طریق یک فرایند خود متقاعدسازی غلط، شروع به فریب دادن خود می‌کنند و این خودفریبی ادامه پیدا می‌کند تا زمانی که از طریق یک فرایند یادگیری ضمنی و غیر تداومی کننده، فریب خود را باور می‌کنند (سیرون، ۲۰۰۶ به نقل از بارانی و یوسفی، ۱۴۰۰).

مشارکت‌کننده‌ای در این رابطه چنین می‌گوید: «مسلمانان نگاه خوب و محترمانه‌ای نخواهد بود؛ یعنی زمانیکه پدر خانواده یا مادر خانواده آن تعهد و پیمانی که بسیار مقدس است در امر ازدواج رو می‌شکند و در واقع زیر تمام تعهداتش می‌زنه خوب اینجا یک بحثی پیش میاد به نام بی‌اعتمادی و اینکه این بی‌اعتمادی توی خانواده بزرگ و بزرگ‌تر میشه و پدر یا مادر که مرجع قداست و استواری و اعتماد و راستی هست همه اینها باعث میشه این کم‌رنگ شدنش تأثیرات سوئی را در خانواده بگذارد و فرد یک فرد بی‌اعتماد میشه».

جدال با خود و در جستجوی عشق وسواسی: هانفیلد و همکاران دو نوع عشق پرشور و رفاقتی را مطرح می‌کنند. عشق پرشور با هیجان‌های شدید، تمنای جنسی و اشتغال شدید فکری به معشوق مشخص می‌شود. آغاز آن سریع است تا تدریجی و تقریباً به‌گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر، حرارت سرکش آن باگذشت زمان رو به سردی می‌گذارد و عشق رفاقتی یعنی تجربه خفیف‌تر و پایدارتری که با احساس اعتماد متقابل، قابلیت اتکا و گرمی مشخص می‌شود. عشق پرشور شامل دو نوع هماهنگ و وسواسی می‌باشد. در عشق پرشور هماهنگ، با وجود علاقه و دلبستگی به فرد دیگر، خودمختاری درونی و

هویت فرد حفظ می شود و رشد و پیشرفت فرد را به دنبال دارد. در عشق پرشور و سواسی، فرد به شخص دیگری شدیداً علاقه مند است و با او احساس صمیمیت هیجانی و فیزیکی می کند. به دنبال این عشق افکار و سواسی در فرد رشد یافته و در صورت جدایی، احساسات ناخوشایندی مانند بیهودگی، ناامیدی و اضطراب به وجود می آید (محمدپور و جوشنلو، ۱۳۹۴).

مشارکت کننده ای در این رابطه چنین می گوید: «وقتی یه خانم از نظر جنسی بهش خوش میگذره بازخورد مثبت تری به دوست پسرش میده و یه بازخورد منفی به همسرش میده که من از سکس با تو اصلاً لذت نمی برم این باعث پایین آمدن خودکارآمدی جنسی مردش میشه و مردش که فکر میکنه که نمیتونه زنش رو ارضا کنه بار دوم با ضعف بیشتری میاد و این چرخه معیوب تأثیر داره و مردها هم به شدت تستسترونشون تحت تأثیر این جملات قرار میگیره».

انزوای اجتماعی و شیوع آسیب های اجتماعی: انزوای اجتماعی به عنوان عدم ارتباط معنادار و پایدار و یا به عنوان داشتن حداقل تماس با خانواده و جامعه تعریف شده است (وگنر و همکاران، ۱۹۹۶ به نقل از کلانتری و حسینی زاده آرانی، ۱۳۹۴). انزوای اجتماعی واقعی فکری است که در آن فرد تعلق و انفصال کاملی با ارزش های موسوم جامعه احساس می کند (سیمن، ۱۹۸۳ به نقل از افشانی و عباس نژاد، ۱۳۹۸).

جدول ۶. پیامدهای روابط موازی

مفاهیم	مقوله محوری	مقوله اصلی
شکسته شدن قبح روابط خارج از عرف، شکل گیری روابط ناپهنجار جنسی، از بین رفتن قبح مسائل جنسی، از بین رفتن قبح خیانت، همه گیر شدن روابط فرا زناشویی	زدایش قبح از امور ناپهنجار	کم رنگ شدن فرهنگ شرم و حیا
از بین رفتن قداست ازدواج، نگاه منفی به ازدواج، در خطر بودن کانون خانواده، تزلزل نهاد خانواده، فروپاشی نهاد خانواده، پایین آمدن آستانه تحمل زوج ها، تغییر الگوی رفتاری در بین زوج ها، تربیت فرزند با اختلالات رفتاری و اخلاقی، اضطراب شدید در فرزندان، ایجاد مشکلات روانی مختلف برای فرزندان، وقت گذاشتن کمتر برای فرزندان، شکل گرفتن	ابتذال شیرازه خانواده	

مفاهیم	مقوله محوری	مقوله اصلی
طرح‌واره‌های ناسازگاری در کودکان، خشم شدید در نوجوانان، پایین آمدن عزت‌نفس در نوجوانان		
از بین رفتن اعتماد بین زوج‌ها، بی‌اعتمادی و بدبینی، از بین رفتن اعتماد فرزندان به والدین، بی‌اعتمادی تکرارشونده	بی‌اعتمادی	خودفریبی و دیگر فریبی
احساس خشم و بی‌اعتمادی به همسر، احساس رنجش نسبت به همسر، تداوم افکار آزاردهنده	نش‌خوار	مکارانه
	بی‌اعتمادی و خشم	
دل‌زدگی از رابطه عاطفی و جنسی با همسر خود، فرسایش رابطه عاطفی و جنسی در رابطه زناشویی بلندمدت، بازخورد جنسی منفی به همسر، پایین آمدن خودکارآمدی جنسی در مرد، سرد شدن روابط زن و شوهر، کاهش اشتیاق و علاقه زوج‌ها به هم	فرسایش	با خود و در جستجوی عشق و سواستی
از دست دادن آبروی خود و خانواده، از دست رفتن وجهه اجتماعی، از دست رفتن عزت‌نفس	خودکارآمدی‌های جنسی	فروریختن اعتبار شخص
طلاق، احساس شرمندگی، دستگیری و بازداشت، کنترل‌گری	انزوای اجتماعی	انزوای اجتماعی و آسیب‌های اجتماعی
افزایش انحرافات جنسی، فساد و بی‌بندوباری، شیوع بیماری‌های مسری	شیوع آسیب‌های اجتماعی	شیوع آسیب‌های اجتماعی

مشارکت‌کننده‌ای در این رابطه چنین می‌گوید: «رابطه فرا زناشویی و خیانت یک تصمیم فردی است و لیکن پیامد و آسیب‌هایش جمعیه یعنی وقتی این رابطه ادامه پیدا می‌کند و اگر منجر به افشا بشود و این رابطه علنی بشود هم فردی که خیانت کرده و افرادی که اون خیانت رو دیدن تحت شعاع این آسیب قرار می‌گیرن این قضیه به دلیل اینکه در اجتماع ما یک عمل قبح و پذیرفته‌شده نیست ما می‌بینیم که نگاه‌ها به فرد خیانت کرده متفاوت میشه گاهی طرد شدن گاهی محدودیت ایجاد کردن کنترل‌گری».

مقوله هسته؛ اعتراض پنهان به زندگی بدون عشق

گیدنز در نظریه رابطه ناب اعتقاد دارد که رابطه تا زمانی استمرار می‌یابد که هر دو

طرف رابطه این احساس را دریافت کنند که وجودشان در این رابطه برای دیگری ارضا کننده است و تا زمانی روابط پایدار می ماند که هر یک از دو سوی رابطه از وجود چنین ارتباطی رضایت کافی را داشته باشند اگر هر کدام از دو نفری که در رابطه هستند چنین بارقه و احساسی را دریافت نکنند این احتمال وجود دارد که رابطه وارد شکست شود و به اضمحلال برسد. آنچه هم اکنون برای افراد مهم است، خود رابطه، تعهد و صمیمیت و اعتماد است، نه مزایای اقتصادی و اجتماعی. مشارکت کنندگان تصریح کرده اند، به نوعی تاکید بر بر عدم رضایت یکی از زوج ها در رابطه بوده و به نوعی آن حالت ارضا کنندگی که گیدنز در رابطه ناب بیان می کند در بین زوج ها وجود نداشته است. و خلاءهایی در زندگی زوج ها به وجود آمده که آن رضایت بودگی را به نارضایتی تبدیل نموده است. روابط فرازنشویی طیف گسترده ای از پیامدهای غیرقابل جبران را دارد: از مهم ترین پیامدهای این گونه روابط از بین رفتن فرهنگ شرم و حیا، شکسته شدن قبح روابط خارج از عرف زندگی زنشویی، شکل گیری روابط نابهنجار جنسی در جامعه و همه گیر شدن خیانت در جامعه است. در واقع همگام با گسترش و ریشه دواندن مدرنیته و گسترش نظام های اداری - تخصصی و فراگیری روند بازاندیشی (یا وجه تأمل گرایانه کنشگران) در زندگی مردم، و با تغییرات مداوم ساختارهای اقتصادی و اجتماعی و سبک های زندگی، روابط شخصی نیز تغییر می کند و صمیمیت و رضایت عاطفی به جای عوامل بیرونی می نشیند و محور روابط می شود.

بحث و نتیجه گیری

در پژوهش حاضر نگرش مشاوران خانواده نسبت به وقوع روابط موازی شناسایی شد، جامعه هدف این پژوهش مشاوران خانواده در سطح کلان شهر اهواز بود. طی سال های اخیر از علت های پایه و اساسی که منجر به شکل گیری طلاق و فروپاشیدگی خانواده ها شده است افزایش روابط موازی و داشتن ارتباط با غیرهمسر بوده است. از مهم ترین

مؤلفه‌هایی که مشارکت‌کنندگان به عنوان روابط موازی از آن یاد می‌کردند و در جلسات مشاوره بین زوج‌ها ردوبدل می‌شد و در واقع هرکدام از زوج‌ها در صورتی که آن رفتار را مشاهده می‌کرد از آن به خیانت تعبیر می‌کرد عبارت بود از هرگونه رابطه‌ای که در خارج از حوزه و حریم زندگی زناشویی برپا بشه اعم از ارتباط تلفنی، یا پیامکی، ارتباط در فضای مجازی، ارتباط جنسی و حتی گاه‌ا‌ارتباط در قالب تفکر می‌بود. زوج‌ها باید از قبل ورود به چنین روابطی ابتدا باید از خود سؤالاتی بپرسند که آیا من می‌توانم چنین رابطه‌ای را به صورت آشکار و علنی انجامش بدهم و با همسر من آن را در میان بگذارم و آیا اگر همسر من به این موضوع پی ببرد واکنش بدی نشان خواهد داد. دوم اینکه متقابلاً اگر همسر من این کار را انجام دهد آیا آن را به عنوان یک رفتار متأهلانه می‌پذیرم. اگر پاسخ‌های ما به این سؤالات صادقانه باشد مؤلفه‌های روابط موازی استخراج می‌شوند.

مشارکت‌کنندگان در پژوهش، روشن شدن چراغ این روابط را ابتدا از درون خلأهایی که در زندگی زوج‌ها وجود دارد جست‌وجوی کنند. همان‌گونه که گفته شد در زندگی‌هایی که احساس تکریم برای هر یک از زوج‌ها صورت نگیرد و نیازهای زن به نیازهای مادی تقلیل داده شود و جایگاه مناسب را در زندگی شخصی به دست نیاورد زوج‌ها دچار نوعی تعلیق در زندگی دچار می‌شوند. که با نتایج فولادیان و همکاران (۱۳۹۹) و فیروزجائیان و قدیری (۱۳۹۶) همسو می‌باشد.

در زمینه شرایط علی ۵ مقوله اصلی ظهور یافت که عبارت بودند از: ۱- تحمیل انتخاب و اعتراض پنهان ۲- تجربه عشق مدرن و سرخوردگی زناشویی ۳- نداشتن توان مقابله ۵- فقدان رضایت از زندگی زناشویی. مشارکت‌کنندگان اظهار داشتند معمولاً زوج‌هایی هر چه از آغاز زندگی مشترک‌شان می‌گذرد هیجان اولیه رو به خاموشی می‌نهد و هم‌زمان زوج‌ها در زندگی خود غوطه‌ور می‌شوند و کم‌تر به نیازهای مشترک خودشان توجه می‌کنند و خلأها شکل می‌گیرند این مسائل هم در زندگی بروز می‌کنند. همچنین

بحث ازدواج‌های سنتی در این زمینه نیز نقش بازی می‌کند چرا که برخی از زوج‌ها چون به اجبار تن به این ازدواج‌ها داده‌اند اصطلاحاً این ادعا را دارند که زندگی با عشقی را تجربه نکرده‌اند و معتقدند که همسرش به او تحمیل شده است و روح زوج‌ها با یکدیگر ممزوج نیست که در راستای نتایج پژوهش مالک و همکاران (۲۰۱۴) می‌باشد.

یکی دیگر از مقوله‌های اصلی شکل‌گیری روابط موازی در بین زوج‌ها، نداشتن توان مقابله است. که این مقوله اصلی از ۳ مقوله محوری (احساس ناکامی در بین زوج‌ها، نارضایتی جنسی، ستیزه و تنش در زندگی) دریافت شده است و با نتایج قاسمی و همکاران (۱۳۹۵) همسو می‌باشد.

یکی از شایع‌ترین بسترهای گرایش زوج‌ها به سمت روابط موازی، بی‌احساسی و اولویت دادن به نیاز جنسی در روابط بین‌فردی، سبب شده است که افراد همواره در تکاپوی برقراری روابط جنسی متعدد و متنوع باشند. طبق تفاسیر مشارکت‌کنندگان برخی از زنان و حتی مردان، با مهارت‌های لازم برای داشتن رابطه زناشویی مؤثری که می‌تواند در تحکیم بنیان خانواده مؤثر باشد، آشنا نیستند و بنابراین هرطوری که دلشان بخواهد رفتار می‌کنند، فقدان این مهارت‌ها باعث می‌شود تا زن یا مرد با الگوهای رفتاری اشتباهی که از خود بروز می‌دهند، ناخواسته همسر خود را از چنین رابطه‌ای گریزان نموده و خلأیی را ایجاد کنند که او در خارج از خانه به دنبال برطرف کردن آن باشد. این یافته با نتایج پژوهش فردوسی (۱۳۹۷)، اسلام‌زاده (۱۳۹۸)، مویز (۲۰۱۸) و پیزا و فزناندز (۲۰۱۵) مبنی بر کیفیت روابط زناشویی و سبک‌های دلبستگی با نگرش به خیانت زناشویی در زنان متأهل همسوست.

هر کدام از زوج‌ها با توجه به محیط‌ها و پیش‌زمینه‌هایی که در گذشته خود با آن مواجهه بوده و آرزوها و ایدئال‌هایی که ناشی از پایگاه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خود است پا به زندگی زناشویی می‌گذارد. زوج‌هایی که در زندگی زناشویی آنچه که

مدنظرشان است اگر برآورده نشود، و به لحاظ مادی، اخلاقی، روانی و ... نسبت به زندگی به خشنودی هدف گذاری شده نرسند، و یا اینکه در این میان مورد بی‌توجهی قرار گیرند، یا آنگونه که انتظار دارند جذابیت‌های آنان مورد توجه قرار نگیرد، و به یک نوع ناامیدی نسبت به تغییر در زندگی برسند و راهی را برای رسیدن به الگوی ترسیم شده‌ی ذهنی خود نداشته باشند. در واقع به نوعی می‌توان گفت اراده از زوج‌ها سلب می‌شود و اگر احساس مسئولیت نسبت به زندگی مشترک خود نداشته باشند راهی جز پانهادن در روابط موازی برایشان باقی نمی‌گذارد. اگر ما مثلث احساس ناکامی در برآوردن ایدئال‌های زندگی مشترک، نارضایتی جنسی زوج‌ها و داشتن تنش در زندگی را ترسیم کنیم به احساس نداشتن توان مقابله برای تغییر در زوج‌ها منتهی می‌شود و راه مقابله‌ای که زوج‌ها در نظر قرار می‌دهند گرایش به روابط خارج از حریم زندگی متأهلی می‌باشد. از این رو برای مقابله مناسب با آسیب‌ها و منطبق با یافته‌های پژوهش حاضر پیشنهاد می‌شود؛ تمایل به تنهایی و بی‌احساسی، یکی از بسترهای فقدان رضایت از زندگی زناشویی است از این رو پیشنهاد می‌شود، دوران شناخت و اصطلاحاً قبل از عقد دائم باید تا حدودی طولانی باشد که این شناخت از نیازها و تفاوت‌ها مشخص شود. مشاوره‌های پیش از ازدواج باید به صورت کیفی ارتقا یابد و اجباری شود.

یکی دیگر از مقوله‌های اصلی شکل‌گیری روابط موازی در بین زوج‌ها، احساس ناکامی در بین زوج‌ها، ستیزه و تنش در زندگی دریافت شده است. پیشنهاد می‌شود، زدواج آگاهانه، و از روی داشتن معیارهای مناسب صورت گیرد؛ همسان‌همسری در تمام زمینه‌های ممکن می‌تواند در این امر مؤثر واقع شود. داشتن ذهنیات، آرمان‌ها، ایده‌ها، نحوه نگاه به زندگی، پایگاه اجتماعی و ... نزدیک به هم باشد؛ آموزش‌های مداوم صورت گیرد. این امکان باید وجود داشته باشد که زوج‌ها دائم آموزش‌های زندگی زناشویی را بگذرانند. همچنین زوج‌ها باید ضرورت و اهمیت گفت‌وگو را درک کنند و

نیازهای هم را بدانند. هر مشکلی هم هر اندازه که بزرگ باشد با گفت و گو قابل حل است. با وجود اینکه مصاحبه کنندگان در ایجاد محیط صمیمانه برای انجام مصاحبه عمیق سعی زیادی داشتند، تمایل نداشتن مصاحبه شوندگان برای ادامه فرایند مصاحبه به جهت داشتن مراجعه کننده، تابو بودن موضوع روابط موازی در فرهنگ ایرانی - اسلامی، از محدودیت های پژوهش حاضر بود. پیشنهاد می شود، پژوهش های آتی بحران های وجود بسترهای اثرگذار در گرایش زوج ها به سمت روابط موازی ی نیز مورد واکاوی قرار گیرد، بسترهای وجودی در زوج های دارای تجربه خیانت و زوج های متعهد و فاقد تجربه خیانت واکاوی و مقایسه شود، برنامه هایی جهت افزایش بینش افراد به ویژه افراد در آستانه ازدواج و یا متأهل نسبت به ماهیت و ابعاد وجودی خود طراحی و اجرایی شود. همچنین مطالعات آتی به بررسی راهبردها و پیامدهای خیانت زناشویی در فرهنگ های مختلف پردازند و نتایج را با یافته های پژوهش حاضر مقایسه کنند.

ملاحظات اخلاقی پژوهش: تمامی شرکت کنندگان برای شرکت در پژوهش رضایت شفاهی خود را اعلام نمودند و اطمینان لازم در مورد محرمانگی اطلاعات به آنها داده شده است.

سهم نویسندگان: نویسندگان تمامی مراحل فرایند پژوهشی را به تنهایی مدیریت نموده و مسئول نگارش مقاله می باشند.

حمایت مالی: این مقاله تحت حمایت مالی - معنوی جایی نبوده و نویسندگان هزینه های را تقبل نموده اند.

تعارض منافع: یافته های این مطالعه هیچ گونه تضاد با منافع شخصی یا سازمانی ندارد. **قدردانی:** از کلیه ی مشارکت کنندگان که با شرکت خود در پژوهش، به روند اجرای طرح کمک کردند، سپاسگزاری می شود.

منابع

- ابراهیمی‌پور، قاسم (۱۳۹۹). تحلیل جامعه‌پذیری حیا در ایران معاصر با تأکید بر متون روایی. دوفصلنامه مطالعات اسلامی آسیب‌های اجتماعی دانشگاه شاهد، ۲۲(۲)، ۱۸۵-۲۰۰.
- https://iss.shahed.ac.ir/article_3730.html
- اسلام زاده، بابک، صادقی، فاطمه، و اسمعیلی، معصومه (۱۳۹۸). تحلیل کیفی عوامل بازدارنده از روابط فرا زناشویی در زوج‌های متأهل. مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت، ۱۸(۱)، ۸۳-۹۵.
- [URL: https://ecc.isc.ac/showJournal/426/123792/1744351](https://ecc.isc.ac/showJournal/426/123792/1744351)
- افراسیابی، حسین، و رضوی، عسل (۱۴۰۰). تعلیق زندگی: بازنمایی خیانت زناشویی در فیلم‌های دهه ۸۰ و ۹۰ سینمای ایران. پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، ۳۲(۱۰۰).
- [Doi: 10.22108/srsp.2021.127119.1673](https://doi.org/10.22108/srsp.2021.127119.1673)
- افراسیابی، حسین، و مداحی، جواد (۱۳۹۵). بازنمایی و تبیین نقش اوقات فراغت در اعتیاد به سیگار در میان دانشجویان، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۲۶(۷)، ۲۱۶-۲۱۹.
- [Doi: 10.22054/qjsd.2016.4974](https://doi.org/10.22054/qjsd.2016.4974)
- احمدی اردکانی زهرا، زارعی محمودآبادی، حسن، و کلاته ساداتی احمد (۱۴۰۰). تحلیل کیفی عوامل بستر ساز روابط فرازناشویی در زنان دارای تجربه روابط فرازناشویی: یک مطالعه کیفی. پژوهش‌های مشاوره، ۲(۸۰)، ۵-۳۴.
- [Doi: 10.18502/qjcr.v20i80.8496](https://doi.org/10.18502/qjcr.v20i80.8496)
- افشانی، سیدعلیرضا، و عباس‌نژاد، حسین (۱۳۹۸). دین‌داری و انزوای اجتماعی مورد مطالعه: شهروندان شهر مشهد. فصلنامه علمی مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان، ۱۴(۲)، ۳۰-۵۹.
- [Doi: 10.22034/fakh.2020.193168.1345](https://doi.org/10.22034/fakh.2020.193168.1345)
- اوکونور، دگمار (۱۳۸۳). زندگی موفق زناشویی و جنسی با همسر خود، ترجمه قدیر گلکاریان، تهران، انتشارات طلایه.
- <https://opac.nlai.ir/opac-prod/search/briefListSearch>
- آبرکرامبی، نیکولاس، هیل، استفن، و اس‌ترنر، بریان (۱۳۶۷). فرهنگ جامعه‌شناسی، ترجمه حسن پویان، تهران، انتشارات چاپخش.
- بابایی‌فرد، اسداله (۱۳۹۴). گفتارهایی انتقادی در جامعه‌شناسی معرفت‌شناسی، روش‌شناسی و نظریه‌پردازی، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان.
- بختیاری، انسیه، حسینی سعیده، عارفی مختار، و افشاری نیا، کریم (۱۴۰۰). نقش واسطه‌ای صمیمیت زناشویی در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و نگرش به خیانت زناشویی. پژوهش‌های مشاوره، ۲۰(۷۷)، ۱۲۲-۱۴۰.
- [Doi: 10.18502/qjcr.v20i77.6144](https://doi.org/10.18502/qjcr.v20i77.6144)
- چوپانی، موسی، سهرابی‌فرد، محمد مهدی، محمد، فاروق، اسمعیلی، نوشین، و؛ صمدی‌فرد، آذر (۱۳۹۸). ادراک مردان بی‌وفا (خیانت) از علل و عوامل بازدارنده از روابط فرازناشویی: یک مطالعه کیفی. پژوهش‌های مشاوره، ۱۸(۶۹)، ۷۹-۱۰۵.
- [Doi: 10.29252/jcr.18.69.79](https://doi.org/10.29252/jcr.18.69.79)
- ریتزر، جورج (۱۳۹۰). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی.

ریتزر، جورج (۱۳۹۰). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه هوشنگ نایی، تهران، نشر نی.
زارع، حسین، و شیخ‌بهای، پریسا (۱۳۹۴). اثربخشی آموزش مهارت‌های حل مسئله بر راهبردهای مقابله‌ای در والدین کودکان کم‌توان ذهنی. تعلیم و تربیت استثنایی، ۱۵(۵)، ۲۰-۱۵.

URL: <http://exceptionaleducation.ir/article-1-436-fa.html>

زمردیان، نسترن، و اکبری، حسین (۱۴۰۰). چگونگی شکل‌گیری روابط فرازنشویی زوج‌ها، پژوهشنامه مددکاری اجتماعی، ۸(۲۸)، ۲۶۲-۲۲۷.
Doi: 10.22054/rjsw.2022.60684.494

فیروزجائیان، علی اصغر، و قدیری، حسن (۱۳۹۶). مطالعه پدیدارشناختی دلایل بی‌وفایی زناشویی، مطالعه پدیدارشناختی دلایل بی‌وفایی زناشویی. مجله مطالعات اجتماعی ایران، ۱۱(۱)، ۱۲۰-۱۴۴.

Doi: 20.1001.1.20083653.1396.11.0.17.2

فولادیان، مجید، برادران کاشانی زهرا، و دیاری، مرتضی (۱۳۹۹). تحلیل جامعه‌شناختی وقوع رابطه فرازنشویی: ارائه یک نظریه زمینه‌ای. مسائل اجتماعی ایران، ۱۱(۲)، ۲۰۶-۱۷۷.

Doi: 20.1001.1.24766933.1399.11.2.3.4

قاسمی، بهزاد، رنجبر سودجانی، یوسف، و شریفی، ک (۱۳۹۵). نقش عملکرد جنسی و تجربه شکست عاطفی در گرایش زوج‌ها به روابط فرازنشویی. فصلنامه رویش روان‌شناسی، ۵(۴)، ۴۵-۶۸.

Doi: 20.1001.1.2383353.1396.6.1.8.0

قیاسی، الهام (۱۳۹۹). بررسی رابطه سبک‌های مقابله با بهزیستی روان‌شناختی مادران دارای فرزندان کم‌توان ذهنی. مجله پیشرفت‌های نوین در روان‌شناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش، ۳(۳۳)، ۱۶۴-۱۷۴.

<https://jonapte.ir/fa/showart-d۰۵۷۵۴eb۲۷۵۳۹b۸fb۳ee۶۸۷a۶d۴۲۵۰۰۵>

کلانتری، عبدالحسین، و حسینی‌زاده آرانی، سید سعید (۱۳۹۴). شهر و روابط اجتماعی: بررسی ارتباط میان انزوای اجتماعی و سطح حمایتی اجتماعی دریافتی با میزان تجربه احساس تنهایی مورد مطالعه شهروندان تهرانی. مطالعات جامعه‌شناختی شهری، ۵(۱۶)، ۸۷-۱۱۸.

<https://sanad.iau.ir/journal/urb/Article/647600?jid=647600>

کلود، هنری، و تاوونزد، جان (۱۳۸۷). مرزهای زناشویی، ترجمه هادی همایی، تهران، نشر دانژه.

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، نشر نی.

Conley, T; Piemonte, J; Gusakova, StaciRubin, J. (2018). Sexual Satisfaction Among Individuals in Monogamous and Consensually non Monogamous Relationships, Journal of Social and Personal Relationships, 35(4), 1917-1938.

<https://doi.org/10.1177/026540751774307>

Demaris, A. (2013). Burning the Candle at Both Ends: Extramarital Sex as a Precursor of Marital Disruption, National Library Of Medicine, 34(11), 1474-1499.
Doi: 10.1177/0192513X12470833

Muise, A; Laughton, A; Moots, A; Lmpett, E. (2018). Sexual Need fulfillment and Satisfaction in Consensually Nonmonogamous Relationships, Journal of Social and Personal Relationships, 36(7), 1917-1938.

<https://doi.org/10.1177/0265407518774>

Pizarro, J. G; Fernandez, R. G. (2015) . Estranged Wife, Other Mans Beloved: Perspectives pf Filipino Women Involved in Extramarital Relationships, Journal of Social and Personal Relationships, Sage Open, Volume 5, Issue 1. Fincham FD, May RW. Infidelity in romantic relationships. *Curr Opin Psychol*. 2017;13:70-4. [PubMed ID: 28813298].

[Doi:10.1177/2158244014565823](https://doi.org/10.1177/2158244014565823)

Hendiani, N., Aghayousefi, A., & Khalatbari, J. (2023). Developing a model of attitude towards extramarital relationships based on attachment styles, emphasizing the role of the effects of confrontational styles. *Jayps* , 4(8), 1 -10.

<https://doi.org/10.61838/kman.jayps.4.8.1>



© 2021 Iran Counseling Association, Tehran, Iran. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>)

